

فتح‌الله جوادی سردبیر مجله اطلاعات هفتگی:

قدیمی ترین مجله ایران را منتشر می‌کنیم

در کنار کار مجله، در شورای سردبیری هم حضور پیدا کنم. لذا در شورای سردبیری هم حضور داشتم. البته دوره آن چندان طول نکشید و حدود یک سال در آنجا در خدمت آقای رفیع، آقای ستاری و آقای شیرزاد بودم. با این حال همکاری من با مؤسسه اطلاعات به عنوان مدیرمسئولی اطلاعات هفتگی همچنان ادامه دارد. اخیراً به مدت ده سال یادداشت‌هایی برای روزنامه اطلاعات می‌نویسم.

* مجله اطلاعات هفتگی از چه سالی انتشار یافته و مهم‌ترین اقدام شما به عنوان سردبیر آن در طول این سال‌ها چه بوده است؟

* مجله اطلاعات هفتگی قدیمی‌ترین نشریه ایران محسوب می‌شود؛ یعنی هیچ هفته‌نامه‌ای با این سابقه که از فروردین سال ۱۳۲۰ تا الان منتشر شده باشد، وجود ندارد. به گمانم فقط دو یا سه شماره در انتشار آن وقفه افتاده است. باقی شماره‌های این هفته‌نامه به‌طور منظم تاکنون چاپ و منتشر می‌شد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، یعنی قبل از انقلاب به مدت حدود ۳۷ سال منتشر می‌شد و در آن زمان هم به نسبت سایر مجلات شأن و منزلت بهتری داشت. البته به این معنا نیست که همه مطالب آن در آن دوره برای ما قابل تأیید باشد، اما نسبت به سایر مجلات دیگر وضعیت مناسب‌تری داشت و از احترام بهتری برخوردار بود. نویسندگان خوبی در آن زمان با این مجله همکاری می‌کردند. بعد از انقلاب خطمشی آن عوض شد و قاعدتاً بعضی از نیروهای مجله دیگر نمی‌توانستند با آن همکاری کنند. از یک نگاه می‌توان گفت که این مجله بعد از انقلاب به شدت سیاسی شد و تا قبل از آن بیشتر خانوادگی بود. رویکرد مجله خیلی تغییر کرده بود و در سال ۱۳۶۰، همین سیاسی شدن مجله باعث افت تیراژ آن شد و مردم هم از سیاست به این شدت دلزده شده بودند.

وقتی در فروردین سال ۱۳۶۱ به مؤسسه اطلاعات آمدم، چندان با مجله اطلاعات هفتگی آشنایی نداشتم؛ در واقع آن را ندیده و نخوانده بودم. وقتی مشغول بررسی سوابق قبل و بعد از انقلاب مجله شدم، دیدم که



* در ابتدا خودتان را معرفی کنید و از مسئولیت خود بگویید و بفرمایید که از چه سالی و چگونه وارد عرصه فعالیت در مؤسسه اطلاعات شدید؟

* فتح‌الله جوادی، مدیرمسئول اطلاعات هفتگی هستم. در

فروردین سال ۱۳۶۱ به دعوت یکی از دوستان به مؤسسه اطلاعات راه یافتیم و با حاج آقای دعایی آشنا شدم و مسئولیت سردبیری اطلاعات هفتگی را بر عهده گرفتم. تا قبل از آن در رادیو کار می‌کردم و البته فعالیتیم در آنجا تا دهه هشتاد به صورت جسته گریخته ادامه داشت؛ اما عمده فعالیت و استقرارم از سال ۱۳۶۱ در بخش اطلاعات هفتگی بوده است. همچنین در روزنامه صبح آزادگان به مدت دو سال سابقه فعالیت داشتم که در آنجا مطالبی می‌نوشتیم و معاون تحریریه بودم و همزمان در رادیو هم کار می‌کردم. پس از آن بود که با پیشنهاد و دعوت یکی از دوستان خدمت حاج آقای دعایی رسیدم. با ایشان آشنایی قبلی به صورت حضوری نداشتم، اما به هر حال چهره مطرح و شناخته شده‌ای در کشور بود. سردبیر قبلی اطلاعات هفتگی، آقای ناصر حیرانی نوبری بود که بعدها سفیر ایران در مسکو شد. از سال ۱۳۶۱ کار خودم را در مجله اطلاعات هفتگی شروع کردم و مدتی بعد از آن، دوستان پیشنهاد دادند

رویگرد مجله در زمان قبل از انقلاب، خانوادگی بود، لذا الان هم باید خانوادگی و اجتماعی باشد. رفته رفته از صفحات سیاسی آن کم کردیم و صفحه مشاور خانواده را به عنوان ضرورت روز راه انداختیم. تغییراتی در ظاهر آن ایجاد کردیم. کاردی برای آن استخدام کردیم که بسیار فعال بوده است. جوانان مطبوعاتی بعد از انقلاب را دورهم جمع کردیم و تیمی که با رویکرد جدید مجله بتواند همکاری خوبی داشته باشد، فراهم نمودیم. در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ با تغییر رویکرد مجله و ورود نیروهای جدید و صفحات تازه و ارتباط بهتر با خوانندگان، تیراژ آن را تا دوازده برابر افزایش دادیم؛ به نحوی که با کمبود کاغذ مواجه شدیم تا آنجا که در سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۷ امکان برآوردن نیاز متقاضیان مجله را نداشتیم. در واقع مجله از قبل پیش‌فروش می‌شد. اگر نمایندگی در استانی پنج هزار نسخه می‌خواست، ما فقط دو هزار سهمیه به آن می‌دادیم؛ چون با بحران کاغذ برخورد کرده بودیم و اواخر جنگ هم بود و مشکلات از این نظر برای کشور به وجود آمده بود. لذا در طی آن دو سال آخر جنگ ما نمی‌توانستیم به تمام تقاضاهای خوانندگان پاسخ بدهیم. حدود ۱۴۵ هزار درخواست داشتیم، در حالی که فقط ۸۵ هزار نسخه چاپ می‌کردیم. بعد از این قضایا، یکسری از بچه‌های ما مجلات دیگری را سامان دادند؛ چون ظرفیت آن را داشتیم. یکی از بچه‌ها مجله خانواده و یکی دیگر از بچه‌های ما، مجله راه زندگی را منتشر کرد. یکسری دیگر از بچه‌های ما با مجله روزهای زندگی همکاری کردند تا این ظرفیت خالی به این طریق پُر بشود. در آن موقع مجلات خانوادگی نسبتاً کم و تقاضاها در این زمینه زیاد شده بود. اطلاعات هفتگی این موضوع را دنبال کرد و رفته رفته با استقبال روبه‌رو شد و به همین دلیل در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد چندین مجله خانوادگی دیگر منتشر شد. در زمانی که مجله خانوادگی فقط دو سه تا بودند، یک‌مرتبه سی مجله خانوادگی در کشور با عناوین مختلف منتشر شدند. ما هم همزمان با کمبود کاغذ نتوانستیم کیفیت چاپ را ارتقا ببخشیم و بخشی از تیراژ ما توسط نشریات بخش خصوصی تأمین و این ظرفیت پُر شد. بحمدالله امروزه

بسیاری از مجلات خانوادگی موفق هستند و تیراژهای بالایی هم دارند. می‌تواند گفت که اطلاعات هفتگی بسترساز تولد مجلات خانوادگی در کشور بعد از انقلاب بوده؛ در واقع مادر خیلی از نشریاتی شد که موضوعشان خانواده است و فضای احترام به خانواده را در جامعه جا می‌اندازند. یک زمانی ده صفحه از مجله را فقط به مشاوره خانوادگی اختصاص داده بودیم. با همه فراز و فرودها در این چهار دهه سعی کرده‌ایم که اطلاعات هفتگی را همچنان محترم نگه بداریم که نه مجله کاملاً سیاسی و نه مجله زرد باشد. با رویکرد اعتدالی تلاش کرده‌ایم به ارزش‌های شناخته شده انقلاب کمک کنیم و در همین حوزه توانسته‌ایم به نیاز مخاطبان تا حدودی پاسخ بدهیم. هنوز هم خواندگانی داریم که از چهل الی پنجاه سال پیش تاکنون با ما هستند. به نوعی با مطالب مجله عادت کرده‌اند و با آن همراه هستند. ما خوانندگان هشتاد یا هفتاد و پنج ساله‌ای داریم که می‌گویند پنجاه سال است اطلاعات هفتگی را دنبال می‌کنیم. این خود فرصت و غنیمتی برای ما است که سعی کردیم آن را در مطبوعات حفظ نماییم.

* بفرمایید که در کار و فعالیت خود چقدر با خطمشی حاج آقای دعایی هماهنگ هستید؟ آیا اتفاق افتاده که در انتشار موضوع و مطلبی با هم اختلاف نظر پیدا کنید؟

** این نکته را عرض کنم با اینکه حاج آقای دعایی سرپرست مؤسسه اطلاعات است و به نوعی مسئولیت تمام نشریات مؤسسه اطلاعات با ایشان است، کمترین دخالت را در کار مدیران نشریات دارد و این خطمشی ایشان است. کمتر سراغ دارم که حاج آقای دعایی به من گفته باشد، فلان کار را انجام بده! این فرصت بسیار خوبی به مدیران می‌دهد؛ چون اگر قرار باشد ما برای هر کاری خدمت ایشان می‌رفتیم، شاید آن استقلال فکری در نشریه اتفاق نمی‌افتاد. البته تا حد بسیاری با مواضع حاج آقای دعایی هم‌دل و همراه هستیم و همیشه هم سعی کرده‌ایم به مواضعشان احترام بگذاریم؛ چون برای خود ما هم پذیرفتنی بوده است. خطمشی حاج آقای دعایی بسیار خوب است و می‌تواند به انقلاب کمک کند.

ما باید نگاه تازه‌ای به جامعه داشته باشیم که همه مردم زیر چتر جمهوری اسلامی حق حیات و حق زندگی دارند و تا آنجایی که اصول و ارزش‌هایمان را در خطر نینیم، برآورنده نیاز همه آحاد جامعه باشیم. جمهوری اسلامی باید این قدرت را داشته باشد و نشان بدهد که می‌تواند چتر خوبی برای همه باشد. اگر این قدرت در جمهوری اسلامی نباشد، کشور چندپاره می‌شود. در این صورت بسیاری احساس می‌کنند که زیر جبر زندگی می‌کنند. واقعاً این مسئله را ظلم می‌بینم که ما جامعه را به خودی و غیرخودی تقسیم‌بندی کنیم. این مشی از سرمایه اجتماعی ما کم می‌کند. مهم‌ترین پشتوانه‌ای که حکومت می‌تواند داشته باشد، همان سرمایه اجتماعی آن است. این سرمایه اجتماعی اگر دیده نشود و احساس کند که محترم نیست و نقشی در حاکمیت و تصمیم‌گیری‌ها و اداره زندگی ندارد، قاعدتاً اعتمادش را به نظام و حکومت از دست می‌دهد. تمام تلاش ما باید این باشد که سرمایه اجتماعی را حفظ کنیم. گاهی این تقسیم‌بندی‌ها و تندروی‌ها و افراط‌گری‌هایی که در جامعه دیده می‌شود، همگی آسیب‌زا است و آن سرمایه اجتماعی را از بین می‌برد. ما نباید جامعه را به بن‌بست جبری دچار کنیم. حاج آقای دعایی قائل به همدلی و اتحاد میان جامعه است. گاهی می‌دیدم که ایشان احترام زیادی به کسانی می‌گذارد که در جای دیگر آسیب دیده‌اند و زخم خورده‌اند. مثلاً گاهی عده‌ای که از یک نوع برخوردی رنجیده‌خاطر شدند، برای اینکه از انقلاب و نظام نرنجند و از چارچوب جمهوری اسلامی خارج نشوند، می‌رود و از آنان دلجویی می‌کند. این روحیه بسیار خوبی است. بارها گفته‌ام که حاج آقای دعایی همیشه سعی کرده حرمت نمایندگی ولی‌فقیه را نگه بدارد و به منصب ولایت‌فقیه هم آسیب نزند. این مسئله مهمی است که مردم تصویر لطیف و مهربان و در عین حال اسلام‌رحمانی از نظام داشته باشند. این روحیه را برای جامعه و نظام مؤثرتر می‌دانم تا آن روحیه یک‌سونگر و متصلب. حاج آقای دعایی هیچ‌گاه این روحیه یک‌جانبه‌گری را نداشت و ما هم قاعدتاً باید همین روحیه را داشته باشیم و از ابتدا هم با همین خطمشی وارد این عرصه شدیم. اصولاً وقتی یکجا جمع

می‌شویم، یعنی قرابت فکری باهم داریم و می‌توانیم سال‌ها باهم کار کنیم. اینکه تا امروز با حاج آقای دعایی و با مؤسسه اطلاعات همکاری می‌کنیم، به خاطر روحیه و خطمشی ایشان است. همیشه هم دست ما را باز گذاشته است؛ یعنی آزاد هستیم و در طول این مدت کمتر اتفاق افتاده که لازم بدانم در باب مطلبی یا سیاستی در تدوین مجله، نظر ایشان را بخواهم؛ چون به هر حال رفته رفته در طول این سالیان با خطمشی همدیگر عادت کرده‌ایم. تا آنجا که توانسته ما را حمایت کرده است. در این چهار دهه هیچ‌گاه از سوی حاج آقای دعایی اذیت نشده‌ایم.

* در پایان اگر نکته خاصی درباره مؤسسه اطلاعات یا به‌طور کلی مطبوعات باقی مانده، آن را به عنوان حُسن ختام گفت‌وگو بیان بفرمایید.

** مؤسسه اطلاعات سعی کرده که همچنان شریف باقی بماند. خوشحالم که ما جزء معدود مراکزی هستیم که توانسته‌ایم از دوران قبل از انقلاب تا امروز آبرومند باشیم. چون بعضی از مراکز حتی آن چیزی را که قبل از انقلاب داشتند خراب کردند و چیزی هم اضافه نکرده‌اند. مؤسسه اطلاعات این ویژگی را داشته که هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب خطمشی اعتدالی خود را حفظ کند و سعی نماید در راستای خدمت به جامعه گام بردارد. این‌ها باعث خوشوقتی است که مؤسسه توانسته است داشته باشد و همچنان آبرومند و رو به توسعه باقی بماند. امیدواریم که بتوانیم از مشکلات اقتصادی این روزها هم فاصله بگیریم و از آسیب فضای مجازی هم که به مطبوعات خیلی فشار آورده در امان باشیم. باید کمک کنیم که مطبوعات شأن و احترام خود را در جامعه به دست بیاورند. اگر این نگاه نباشد، در جامعه آسیب می‌بینیم. مطبوعات رکن بسیار مهمی در جامعه است. در واقع یکی از مهم‌ترین ارکان پیوند نظام و حاکمیت با جامعه مطبوعات است. رفع فساد، جبران کاستی‌ها، اصلاح امور اجتماعی، نقد سالم مسئولان و مقامات به وسیله مطبوعات صورت می‌پذیرد. هر چقدر مطبوعات قوی‌تر باشند، حاکمیت و اداره کشور هم پیراسته‌تر، و اعتماد عمومی هم حاصل‌تر می‌شود. در

غیر این صورت قطعاً به جایی نخواهیم رسید. حرکات سلبی در رابطه با مطبوعات، بی‌اعتمادی به آن‌ها، بستن دست روزنامه‌نگاران، نگاه غربیه به مطبوعات و خبرنگاران داشتن، قطعاً به جامعه و حاکمیت آسیب می‌زند. تا زمانی که مطبوعات مستقل، آزاد، شجاع و کار بلد نداشته باشیم، نمی‌توانیم حتی مردم‌سالاری دینی را برای مردم جا بیندازیم. خیال نکنیم که این مسئله پدیده مدرنی است و ما چشم آن را نداریم. هم دموکراسی به مفهوم غربی آن و هم مردم‌سالاری دینی که مبنای حکومت اسلامی است، هر دو به مطبوعات مقتدر و آزاد و روزنامه‌نگاران شجاع و بینا و مستقل نیازمند است. این‌ها لازمه جامعه سالم است و لذا کمک به مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران و حمایت از استقلال فکری آنان و پرهیز از هر گونه مانع برای فعالیت آنان در کشور، منجر به سلامتی بیش از پیش جامعه می‌شود.